

وطن پرستی جمهوری خواهانه

نویسنده: مائوریسیو ویرولی

مترجم: امین زرگرنژاد

تمام عبارات درون {} و پانوشتهایی که با - م. مشخص شده‌اند از مترجم‌اند.



توضیح مترجم:

این جستار ترجمه‌ی فصل سیزدهم کتاب *مقتضیات شهروندی* (۲۰۰۰) است.^۱ این کتاب مجموعه‌مقالاتی درباره‌ی مشارکت شهروندان در سرنوشت جامعه‌ی سیاسی را در بر دارد که هر مقاله به قلم نویسنده‌ی مجزایی نگاشته شده است. ویرولی در مباحث تاریخی و

۱. Viroli, Maurizio (۲۰۰۰). 'Republican Patriotism', in: Catriona McKinnon and Iain Hampsher-Monk (eds.), *The Demands of Citizenship*. London: Continuum, pp. ۲۶۷-۲۷۵.

ریشه‌شناسانه درباره‌ی وطن‌پرستی و جمهوری‌خواهی در این جستار، به‌دفعات از عبارت‌های لاتین داخل متن انگلیسی استفاده می‌کند و در ترجمه‌ی فارسی، با هدف حفظ روانی متن، تا حد ممکن برخی از این عبارت‌های لاتین را به پانویس منتقل و معادل عبارت انگلیسی را نیز به‌صورت *ایتالیک* مشخص کرده‌ام. گاهی نیز به دلیل حفظ خط استدلالی نویسنده و انتقال درست معنا، قید کردن عین عبارت لاتین داخل متن ترجمه‌ی فارسی ضرورت داشته است. همچنین در فرآیند ترجمه مشخصات ارجاع‌های این جستار را با منابع اصلی تطبیق داده‌ام و برای یکدست‌سازی (بدون حذف یا اضافه کردن منبع خاصی) تغییراتی اعم از اصلاح شماره‌ی برخی صفحات، سال انتشار و... روی آن‌ها اعمال کرده‌ام.

یکی از وجوه بحث‌های کنونی درباره‌ی وطن‌پرستی^۲، ملی‌گرایی^۳ و جهان‌وطنی^۴ که به‌زعم من بسیار عجیب می‌نماید، این است که کسی به خود زحمت نمی‌دهد تا دریابد فیلسوفان، تاریخ‌نگاران، شاعران، مبلغان و پیامبران مرتبط با سنت جمهوری‌خواهی، هنگامی که در طی دو هزار سال گذشته از عشق به میهن^۵ سخن گفته‌اند، درواقع قصدشان بیان چه چیزی بوده است.^۶

۲. patriotism

۳. nationalism

۴. cosmopolitanism

۵. country

۶. بهترین نمونه {از این نادیده‌انگاری} مجموعه‌مقالات منتشرشده در این اثر است: Nussbaum, Martha C. & Joshua Cohen (ed.) (۱۹۹۶). *For Love of Country: Debating the Limits of Patriotism*. Boston: Beacon Press.

توضیح مترجم: از چهره‌های سرشناس نویسندگان مقالات این کتاب می‌توان به مارتا نوسبوم، جودیت باتلر، هیلاری پاتنم، امانوئل والرش‌تاین، مایکل والزر، آمارتیا سن، چارلز تیلور و... اشاره کرد - م.

ویژگی‌های کلی وطن‌پرستی جمهوری خواهانه

برای نظریه پردازان جمهوری خواه کلاسیک، به ویژه برای رومی‌ها، عشق به پاتریا^۷ نوعی شور و شوق^۸ است؛ دقیق‌تر اگر بگوییم عشقی رئوفانه و مشفقانه به جمهوری (*caritas reipublicae*) و شهروندان (*caritas civium*) آن است. بعدها بطلمیوس لوکایی^۹ در کسوت اندیشمندی مدرسی آن را 'Amor patriae in radice charitatis fundatur...' توصیف کرد: «عشق به وطن ریشه در رأفت دارد که نه امورات شخصی را به امورات عمومی، بلکه امورات عمومی را به امورات شخصی ارجحیت می‌دهد».^{۱۰}

حتی اگر عشق به میهن به اصول عدالت و عقل پایبند باشد، و از این رو عشق عقلانی هم نام بگیرد، (چنان‌که رمیجو دی جیرولامی^{۱۱} آن را *amor rationalis* می‌خواند)، {کماکان} عاطفه‌ای نسبت به یک جمهوری خاص و شهروندانی خاص است که عزیزشان می‌داریم زیرا در چیزهای مهمی با آن‌ها شریکیم: قوانین، آزادی، عرصه‌ی تبادل نظر، مجلس سنا، میدان‌های عمومی، دوستان، دشمنان، خاطرات پیروزی‌ها و خاطرات شکست‌ها، امیدها، بیم‌ها. عشق به میهن شور و شوقی نه حاصل از توافق عقلانی بر سر اصول سیاسی جمهوری‌ها به طور کلی، بلکه بالیده در میان شهروندان برابر است. عشق به میهن از آنجاکه نوعی شور و شوق است بدل به عمل

۷. patria

«پاتریا» در متون کلاسیک رومی دلالت‌های متعددی چون سرزمین پدری، دیار آباو اجدادی، مرزوبوم، وطن، موطن، جامعه‌ی سیاسی و... دارد. اصطلاح patriotism (وطن‌پرستی) نیز از ریشه‌ی patria حاصل شده است. در این جستار ویرولی تلاش دارد خوانش تاریخی خاصی از دلالت پاتریا ارائه کند که بیشتر مبتنی بر آن جامعه‌ی سیاسی (یا جمهوری) است که فرد به آن تعلق دارد - م.

۸. passion

۹. Ptolemy of Lucca (۱۳۲۷ - ۱۲۳۶)

«بطلمیوس لوکایی» یا «بارتولومئو لوکا» فیلسوف، متأله، اسقف کاتولیک و تاریخ‌نگار اهل ایتالیا در اواخر قرون وسطی و از شاگردان توماس آکویناس بود - م.

۱۰. Ptolemy of Lucca (۱۹۵۴). *De Regimine Principum*, in R. Spiazzi (ed.) *Divi Thomae Aquinatis Opuscula Philosophice*, Turin: Marietti, p. ۲۹۹.

۱۱. Remigio dei Girolami (۱۳۱۹ - ۱۲۴۷)

متأله، واعظ و اندیشمند سیاسی اواخر قرون وسطی که از شاگردان توماس آکویناس بود - م.

و دقیق‌تر اگر بگوییم بدل به اقداماتی در جهت خدمت به خیر عمومی (*officium*) و مراقبت (*cultus*) می‌شود.^{۱۲}

سرانجام باید در نظر گرفت که برای نظریه‌پردازان جمهوری‌خواه، (*caritas reipublicae*) شورش و شوق نیروبخشی است که شهروندان را به انجام تکالیف شهروندی وامی‌دارد و به حاکمان قدرت می‌بخشد تا وظایف دشوار ضروری برای پاسداشت^{۱۳} یا پی‌ریزی^{۱۴} آزادی را محقق کنند. چنان‌که تیتوس لیویوس^{۱۵} در بخش دوم از کتاب دوم مجموعه‌ی تاریخ روم، جایی که او نخستین مراحل قوام آزادی روم پس از تبعید لوکیوس تارکوئینیوس متکبر^{۱۶} را روایت می‌کند، شرح می‌دهد که این رأفت نسبت به جمهوری (*caritas reipublicae*) بود که به بروتوس^{۱۷} قدرت اخلاقی غلبه بر بی‌رغبتی و تردیدش را داد و او را قادر ساخت تا وظیفه‌ی ناخوشایند اما ضروری سخنرانی علیه لوکیوس تارکوئینیوس در پیشگاه مردم روم را به انجام رساند.

۱۲. ارجاعات متنی مربوط به این مباحث را در کتاب زیر آورده‌ام:

- Viroli, Maurizio (۱۹۹۵). *For Love of Country: An Essay on Patriotism and Nationalism*. New York: Oxford University Press.

این کتاب در ایران با مشخصات زیر ترجمه و منتشر شده است:

- ویرولی، مائوریسیو (۱۴۰۰). *برای عشق به میهن: جستاری در باب وطن‌پرستی و ملی‌گرایی*. ترجمه‌ی مهدی نصراله‌زاده. تهران: بیدگل.

۱۳. defence

۱۴. institution

۱۵. Livy (۵۹ BC – AD ۱۷)

«تیتوس لیویوس» ملقب به «لیوی» تاریخ‌نگار برجسته و نامدار روم باستان بود. مجموعه‌ی سترگ ۱۴۲ جلدی او درباره‌ی تاریخ روم با عنوان کتاب‌هایی از زمان تأسیس شهر روایت بیش از ۵۰۰ سال تاریخ روم باستان است که از روزگار پایانی پادشاهی روم و تأسیس جمهوری روم تا سال‌های ابتدایی امپراتوری روم را در بر می‌گیرد. در حال حاضر تنها ۳۵ جلد کامل از این اثر باقی مانده‌اند. نیکولو ماکیاولی در نگارش کتاب گفتارها بسیار تحت تأثیر تیتوس لیویوس بود و نام کامل کتاب گفتارها در واقع گفتارهایی درباره‌ی ده کتاب نخست تیتوس لیویوس است - م.

۱۶. Lucius Tarquinius Superbus

«لوکیوس تارکوئینیوس متکبر» پادشاه مستبد و هفتمین و آخرین پادشاه روم بود. سقوط تاج و تخت او در سال ۵۰۹ پیش از میلاد به تأسیس جمهوری روم انجامید که تا سال ۲۷ پیش از میلاد و آغاز امپراتوری روم دوام داشت - م.

۱۷. Lucius Junius Brutus

«لوکیوس یونیوس بروتوس» سردار رومی بود که نقش بسزایی در سرنگونی آخرین پادشاه روم و تأسیس جمهوری روم داشت. «لوکیوس تارکوئینیوس متکبر» (هفتمین و آخرین پادشاه روم) دایی او بود - م.

چنان‌که فراز نقل شده از کتاب درباب حکومت حاکمان^{۱۸} بطلمیوس لوکایی نشان می‌دهد، مؤلفه‌های عمده‌ی زبان وطن‌پرستی جمهوری خواهانه-رومی وارد رساله‌هایی شده بود که نویسندگان سیاسی مدرسی درباره‌ی حکومت می‌نوشتند و حتی مهم‌تر از آن به موعظه‌هایی راه یافته بود که آن‌ها در کلیساهای فلورانس و دیگر جمهوری‌های آزاد ایتالیا ایراد می‌کردند. چنین پیوندی بین زبان وطن‌پرستی جمهوری خواهانه-رومی و وطن‌پرستی مسیحی، که با مفهوم محوری کاریتاس^{۱۹} ممکن شده بود، ریشه‌های وطن‌پرستی فلورانسی دوره‌های ترچنتو^{۲۰} و کو/تروچنتو^{۲۱} را روشن می‌کند. چنان‌که قول معروف «عزیزتر داشتنِ وطن از روح و جان»^{۲۲} آشکار می‌کند، این وطن‌پرستی به شدت مخالف نفوذ کلیسا در امور سیاسی^{۲۳} بود اما درعین حال عمیقاً به دین مسیحی باور داشت. این بستر فکری به ما امکان می‌دهد تا معنای سخنان ماکیاولی را در گفتارها^{۲۴} (کتاب دوم، فصل دوم) درک کنیم، جایی که او — علیرغم آنکه به آثار اندیشمندان

۱۸. *De Regimine Principum (On the Government of Rulers)*

۱۹. *caritas*

چنان‌که نویسنده در ابتدا توضیح می‌دهد «کاریتاس» به معنی رأفت و شفت است - م.

۲۰. *Trecento*

«ترچنتو» یا «سیصد» به دوره‌ی هنری و فرهنگی سده‌ی ۱۴ میلادی ایتالیا اشاره دارد و نام آن برگرفته از عدد ۳۰۰ یا ۱۳۰۰ میلادی است. این دوره غالباً در نقش پلی بین قرون وسطی و دوران اولیه‌ی رنسانس در نظر گرفته می‌شود - م.

۲۱. *Quattrocento*

«کو/تروچنتو» یا «چهارصد» به دوره‌ی هنری و فرهنگی سده‌ی ۱۵ میلادی ایتالیا اشاره دارد و نام آن را از عدد ۴۰۰ یا ۱۴۰۰ میلادی برگرفته‌اند. این برهه مقارن با دوران اولیه‌ی رنسانس است - م.

۲۲. این قول را نیکولو ماکیاولی در کتاب *تاریخ‌های فلورانسی* (کتاب سوم، فصل هفتم) آورده که روایتی از «جنگ هشت قدیس» و جنگ ائتلاف چند شهر ایتالیا با محوریت فلورانس علیه پاپ گریگوری یازدهم از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ میلادی است. ماکیاولی در پایان این بخش اشاره می‌کند که شهروندان با عصیان علیه پاپ و قدرت کلیسای پاپی نشان دادند که برای آن‌ها «وطنشان عزیزتر از روح و جان» بود. در اینجا «روح و جان» (معادل soul در انگلیسی و *anima* در ایتالیایی) به سنت مسیحی-کلیسایی تربیت روحی انسان‌ها اشاره دارد و ماکیاولی یادآور می‌شود که با آن جنگ، شهروندان دفاع از وطنشان را به تربیت روحی‌شان توسط فرامین و موازین کلیسا ترجیح دادند. ماکیاولی بار دیگر این عبارت را در نامه‌ای به فرانچسکو وتوری در ۱۶ آوریل ۱۵۲۷ میلادی و این بار از زبان خودش ذکر می‌کند: «برای من وطنم عزیزتر از روح و جانم است» - م.

بنگرید به:

- Machiavelli, Niccolò (۱۹۸۸). *Florentine Histories*. Translated by Laura F. Banfield and Harvey C. Mansfield. Paperback edition, Princeton: Princeton University Press, ۱۹۹۰, pp. ۱۱۲-۱۱۴.

- Machiavelli, Niccolò (۱۹۹۶). *Machiavelli and His Friends: Their Personal Correspondence*. Translated and Edited by James B. Atkinson and David Sices. DeKalb, Illinois: Northern Illinois University Press, p. ۴۱۶.

۲۳. *anticlerical*

۲۴. *Discourses on Livy (Discorsi)*

مدرسی علاقه‌ای نداشت و کلیساها نیز مکان خوشایندی برایش نبودند — پس از طرح کوبنده‌ترین انتقاد از دین مسیحی و تعلیم مسیحی^{۲۵}، اشاره می‌کند که او نیز نوای نوعی زبان وطن‌پرستی را شنیده که ترکیبی از کاریتاس رومی و مسیحی است.

بهره‌گیری مشابهی از زبان وطن‌پرستی که در قالب کاریتاس تفهیم می‌شود در کتاب دفاع از مردم انگلستان^{۲۶} (۱۶۵۱) اثر جان میلتون^{۲۷} به چشم می‌خورد. در این کتاب او می‌نویسد که اعدام چارلز اول^{۲۸} اقدامی ملهم از نفاق‌جویی، یا تمایل به غصب حقوق دیگران، یا فتنه‌گری صرف، یا امیال تباه، یا غَضَب و یا جنون نبود، بلکه {اقدامی ملهم از} عشق به وطن بود — چنان‌که در نسخه‌ی لاتین کتاب عبارت *patriae caritas* آمده است.^{۲۹}

برای نظریه‌پردازان جمهوری‌خواه، جمهوری نوعی از ترتیبات سیاسی و شیوه‌ی زیستن است (به بیان دیگر، نوعی فرهنگ). برای نمونه، ماکیاولی برای توصیف دلبستگی مردم به نهادها و ترتیبات جمهوری‌شان و شیوه‌ی زیستن مبتنی بر آن‌ها، از *vivere libero* (شیوه‌ی زیستن

۲۵. ماکیاولی در اینجا نه به مسیحیت به صورت عام، بلکه به تفاسیر و تعالیم جاافتاده‌ی موجود از دین مسیحی حمله می‌کند که آدمیان را صرفاً دعوت به تربیت روح و در نتیجه بی‌عملی و بی‌اعتنایی به زندگی دنیوی می‌کنند. او در همان فصل خواهان تفسیری جدید از مسیحیت است که مبتنی بر اهمیت‌بخشی به زندگی دنیوی و عمل مادی برای تغییر شرایط زندگی باشد — م.

۲۶. *Defence of the People of England* (۱۶۵۱).

جان میلتون این اثر جدلی و تهییج‌گر را به درخواست مجلس‌گرایان و با هدف دفاع از نابودی نظام سلطنتی و طرح حمله‌های تندوتیز علیه حامیان سلطنت نوشت. نسخه‌ی اصلی این اثر به زبان لاتین نگاشته شده است — م.

۲۷. John Milton (۱۶۰۸ – ۱۶۷۴)

نویسنده، شاعر، نظریه‌پرداز سیاسی و مبارز جمهوری‌خواه شهیر انگلیسی که از مخالفان سلطنت و از حامیان جمهوری‌خواهان مجلس‌گرا بود. از او علاوه بر آثار ادبی پرشمارش، متون پرشوری در نفی نظام سلطنتی، دفاع از آزادی بیان و مطبوعات، ضرورت آزادی دینی و... به‌جا مانده است — م.

۲۸. Charles I (۱۶۰۰ – ۱۶۴۹)

۲۹. Milton, John (۱۹۳۲). *Defence of the People of England*, in *The Works of John Milton*, vol. ۷, New York: Columbia University Press, p ۴۵۵.

آزادانه^{۳۰}) سخن می‌گوید. دیگر نظریه‌پردازان جمهوری خواه هم عصر او جمهوری را در معنای «شیوه‌ی خاصی از زندگی در شهر» (*una certa vita della città*) تعریف می‌کردند.^{۳۱}

وطن‌پرستی جمهوری خواهانه بی‌شک بُعدی فرهنگی دارد اما در درجه‌ی نخست شوروشوقی سیاسی به‌شمار می‌رود که مبتنی بر تجربه‌ی شهروندی است و مبتنی بر عناصر پیشاسیاسی مشترکی نیست که ناشی از تولد در سرزمین یکسان، تعلق به نژاد یکسان، تکلم به زبان یکسان، پرستش خدایان یکسان، داشتن آداب و رسوم یکسان هستند. بدین ترتیب استدلالی که وطن‌پرستی جمهوری خواهانه را با ذکر این دلیل که «یک عقیده‌ی صرفاً سیاسی نابسنده است»^{۳۲} پاسخ فکری معتبری برای مسائل شهروندی دموکراتیک نمی‌داند، اصل مطلب را نادیده می‌گیرد زیرا وطن‌پرستی جمهوری خواهانه متکی بر یک عقیده‌ی صرفاً سیاسی نیست.

نویسندگان لاتین تمایز آشکاری بین ارزش‌های سیاسی و فرهنگی جمهوری و ارزش‌های غیرسیاسی ملت‌بودگی^{۳۳} قائل بودند. درواقع آن‌ها از دو واژه‌ی متفاوت استفاده کرده‌اند: پاتریا^{۳۴} و ناتئو^{۳۵}. کاملاً روشن است که کدامیک از این دو مهم‌تر قلمداد می‌شد. چنان‌که سیسرون در

۳۰. ماکیاولی برای «زیستن» یا «زندگی» از دو واژه و مفهوم *vivere* و *vita* بهره می‌گیرد که اولی واجد بار سیاسی و اجتماعی است و به «چگونه زیستن و زندگی کردن» (تحت چه ترتیباتی زیستن، تحت چه حکومتی زندگی کردن) اشاره دارد و دومی ناظر بر «حیات و زندگی به معنی عام» است. بیش از هر جای دیگری، ماکیاولی در فصل دوم از کتاب دوم گفتارها به مفهوم '*vivere libero*' («زیستن آزادانه» یا «آزاد زیستن») می‌پردازد و بی‌اشتیافی مردم معاصرش به زیستن آزادانه را ناشی از تعلیم نادرست برآمده از تفسیر غلط جافثاده از دین مسیحی به سستی و بی‌عملی و نه به توانمندی و عمل می‌داند - م. بنگرید به:

- Machiavelli, Niccolò (۱۹۹۷). *Discourses on Livy*. Translated with an introduction and notes by Julia C. Bondanella and Peter Bondanella. Reissued, New York: Oxford University Press, ۲۰۰۸, pp. ۱۵۶-۱۶۱.

۳۱. Brucioli, Antonio (۱۹۸۲). *Dialogi*. Edited by Aldo Landi. Naples and Chicago: Prismi and The Newberry Library.

آنتونیو بروچیولی (۱۵۶۶ - ۱۴۹۸) از نویسندگان و چهره‌های فکری معروف و جوان‌تر فلورانس بود که در سال‌های پایانی زندگی ماکیاولی با او مراوداتی داشت. کتاب مقدس و همچنین کتاب سیاست ارسطو را نخستین بار بروچیولی به ایتالیایی ترجمه کرده است - م.

۳۲. Smith, Anthony (۱۹۹۶). 'In Search of (One-Sided) Statues of Liberty', *The Times Higher Education Supplement*, ۹ August, p. ۲۲.

۳۳. nationhood

۳۴. patria

۳۵. natio

۳۶. برای نمونه بنگرید به:

Quintilian, *Institutio Oratoria*, V (۱۰), ۲۴-۵.

رساله‌ی در باب مسئولیت‌ها و وظایف^{۳۷} بیان می‌کند، پیوندهای شهروندی تنگاتنگ‌تر و گران‌سنگ‌تر از پیوندهای ناتینو است.

این تمایز و دسته‌بندی توسط نظریه‌پردازان متأخرتر نیز تکرار و تصریح می‌شود. برای نمونه در *دایره‌المعارف*^{۳۸} فرانسوی سده‌ی هجدهم میلادی می‌خوانیم که پاتری^{۳۹}، چنان‌که فهم عامیانه باور دارد، به معنای مکانی نیست که در آن به دنیا آمده‌ایم. پاتری در عوض به معنای «کشور آزاد»^{۴۰} است که ما اعضای آن هستیم و قوانین آن از آزادی ما و سعادت ما صیانت می‌کند.^{۴۱}

برای نویسنده‌ی^{۴۲} این مدخل *دایره‌المعارف*، اصطلاح پاتری مترادف با جمهوری و آزادی است چنان‌که برای ماکیاولی و نویسندگان سیاسی جمهوری‌خواه نیز چنین بود. زیر یوغ استبداد خبری از پاتری نیست و دلیل بدیهی آن این است که تحت حکومت استبدادی، رعایا دقیقاً مانند بیگانگان بی‌پناه و محروم‌اند. نویسنده به تأسی از مونتسکیو خاطرنشان می‌کند: «کسانی که تحت استبداد شرقی زندگی می‌کنند — جایی که هیچ قانونی جز هر دم خیالی شخص حاکم، هیچ ضابطه‌ای جز ستایش بوالهوسی‌های او، و هیچ اصول حکومتی جز وحشت‌آفرینی به رسمیت شناخته نمی‌شود، جایی که هیچ ثروت و هیچ فردی در امان نیست — کسانی‌اند که پاتری ندارند

توضیح مترجم: اشاره به رساله‌ی «در چگونگی تربیت خطیب» اثر مارکوس فابیوس کوئنتیلیانوس (کوئنتیلی) فیلسوف، ادیب و عالم علوم بلاغی سده‌ی اول میلادی در روم - م.

۳۷. *De Officiis* (I.۱۷، ۵۳).

۳۸. Diderot, Denis (ed.) (۱۷۶۵). *Encyclopédie*. vol. ۱۲. Neuchâtel, p. ۱۷۸.

آنسیکلوپدی (یا *دایره‌المعارف*) دانشنامه‌ای عمومی و یکی از مهم‌ترین آثار منعکس‌کننده‌ی اندیشه‌های دوره‌ی روشنگری است که در سال‌های منتهی به انقلاب فرانسه و در حداثی سال‌های ۱۷۵۱ تا ۱۷۷۲ در ۲۸ جلد و ۷۵۰۰۰ مدخل منتشر شد. دنی دیدرو و ژان لو رون دالامبر سردبیران اصلی آن بودند و چهره‌های فکری سرشناسی چون فرانسوا ولتر، ژان ژاک روسو، شارل دو مونتسکیو، بارون دولباخ و چندین و چند چهره‌ی دیگر که به آن‌ها «اصحاب *دایره‌المعارف*» اطلاق می‌شود در تألیف این اثر سترگ نقش داشتند - م.

۳۹. *patrie*

«پاتری» در زبان فرانسه مترادفی برای پاتریای رومی و پاتری یونانی است - م.

۴۰. *free state (état libre)*

۴۱. *nos libertes et noir bonheur*

۴۲. نویسنده‌ی مدخل پاتری (*patrie*) لوئی دو ژوکور (۱۷۷۹ - ۱۷۰۴) است. او در نقش یکی از پرکارترین نویسندگان *دایره‌المعارف* حدود ۲۵ درصد از کل مدخل‌ها را به‌صورت داوطلبانه به نگارش در آورد - م.

و حتی نام آن را که تجلی حقیقی سعادت است نمی‌دانند.^{۴۳} به این معنا، آن باور متداول و کلیشه‌ای که روشنگری را مخالف وطن‌پرستی می‌داند مرتکب خطای فاحشی می‌شود. فیلسوفان روشنگری^{۴۴} ملی‌گرا نبودند اما آن‌ها بی‌شک وطن‌پرست در معنای وطن‌پرستی جمهوری خواهانه بودند. بدین ترتیب وطن‌پرست بودن برای آن‌ها معنای رُفت نسبت به جمهوری^{۴۵} داشت. ژان ژاک روسو در کسوت یکی از اعضای برجسته‌ی جرگه‌ی جمهوری خواهان چنین می‌گوید: «این نه حصارها و ساکنان آن، بلکه قوانین، آداب، رسوم، حکومت، قانون اساسی و شیوه‌ی زندگی برآمده از آن‌هاست که پاتری را تشکیل می‌دهند. پاتری منوط بر وابستگی و ارتباط کشور^{۴۶} و اعضای آن است و هنگامی که این روابط دگرگون یا متلاشی شوند، پاتری دود می‌شود و به هوا می‌رود.»^{۴۷}

آنچه به شهرها معنا و ارزش می‌بخشد تجربه‌ی سیاسی آزادی در جمهوری یا خاطره و یا امید به آن است. نظریه‌پردازان جمهوری به تمامی آگاه بودند که آن نوع همانندی و پیوستگی که ناشی از واقعیت سکونت در شهر یکسان یا تعلق به ملت^{۴۸} یکسان، تکلم به زبان یکسان و پرستش خدایان یکسان است، برای زایش وطن‌پرستی جمهوری خواهانه در قلوب شهروندان کفایت نمی‌کند. آن‌ها مدعی بودند که پاتری‌های حقیقی تنها می‌تواند جمهوری‌های آزاد باشد. آن‌ها همچنین مدعی بودند که عشق به میهن احساسی طبیعی نیست، بلکه شوروشوقی است که باید از طریق قوانین یا به بیان دقیق‌تر از طریق حکومت شایسته و مشارکت شهروندان

۴۳. Diderot, Denis (ed.) (۱۷۶۵). *Encyclopédie*. vol. ۱۲. Neuchâtel, p. ۱۸۰.

۴۴. *philosophes*

این اصطلاح فرانسوی به روشنفکران قرن ۱۸ عصر روشنگری اروپا اطلاق می‌شد که با هم ارتباط و همکاری داشتند و دست به آفرینش آثار متعدد انتقادی و عقل‌محور در حوزه‌های فلسفه، تاریخ، سیاست، علم، اقتصاد و... زدند. بخش قابل‌توجهی از آن‌ها نه فیلسوف به معنای دقیق کلمه که بیشتر چهره‌های فکری و اندیشمندانی چندوجهی بودند - م.

۴۵. *caritas reipublicae*

۴۶. *state*

۴۷. Rousseau, Jean-Jacques (۱۹۶۵). *Correspondance complète de Jean-Jacques Rousseau*. vol. ۱۹. Edited by R.A. Leigh. Banbury, Oxfordshire: The Voltaire Foundation, p. ۱۹۰.

۴۸. *nation*

در زندگی عمومی^{۴۹} برانگیخته شود. روسو در مقاله‌ی گفتاری درباره‌ی اقتصاد سیاسی^{۵۰} این نکته را به‌شیوایی بیان می‌کند: «پس بگذارید پاتری خود را مادر مشترک شهروندان جلوه دهد، بگذارید موهبت‌هایی که شهروندان در سرزمینشان از آن‌ها بهره‌مندند آن {سرزمین} را برای آن‌ها عزیز بدارد، بگذارید حکومت آن‌ها را آنقدر در اداره‌ی جامعه سهمیم کند که خودشان را در خانه و کاشانه‌ی خود حس کنند، و بگذارید قوانین در نظر آن‌ها چیزی جز تضمین آزادی مشترک نباشد.»^{۵۱}

چند سال بعد گائتانو فیلانجری^{۵۲} در کتاب علم قانون‌گذاری^{۵۳} آرای روسو را بهبود بخشید: «نباید از نام مقدس وطن‌پرستی (عشق به پاتریا^{۵۴}) با یکسان‌انگاری آن با عاطفه‌ای که افراد نسبت به زادگاه خود دارند استفاده‌ی نادرست کنیم؛ زیرا این عاطفه به زادگاه، فرع بر چالش‌ها و مصائب واقعی پیوستگی‌های مدنی است و می‌توان آن را هم در فاسدترین و هم در عالی‌ترین جوامع یافت.»^{۵۵} او مدعی است که عشق به پاتریای حقیقی، شوروشوقی برساختی^{۵۶} است: «این شوروشوق می‌تواند عظیم یا نامشخص باشد. ممکن است کسانی را تحت‌تأثیر قرار ندهد اما در

۴۹. public life

این اصطلاح را می‌توان به «زندگی جمعی» نیز برگرداند. برای یکدست‌سازی اصطلاح‌ها و ترکیب‌های مختلف با واژه‌ی public در مباحث حول جمهوری‌خواهی، ترجیح مترجم استفاده از «زندگی عمومی» بوده است - م.

۵۰. *Discours sur l'économie politique*

این مقاله در قالب کتابی با مشخصات زیر در ایران ترجمه و منتشر شده است:

- روسو، ژان ژاک (۱۳۹۵). *گفتاری درباره‌ی اقتصاد سیاسی*. ترجمه‌ی مهدی یوسفی. تهران: روزبهان.

۵۱. Rousseau, Jean-Jacques (۱۹۶۴) 'Economic politique', in *Oeuvres complètes*. vol. ۳. Paris: Gallimard, p. ۲۵۸.

۵۲. Gaetano Filangieri (۱۷۵۳ - ۱۷۸۸)

فیلسوف و حقوق‌دان ایتالیایی - م.

۵۳. *La Scienza della Legislazione* (in English: *The Science of Legislation*)

۵۴. *amore della patria* (patriotism)

به ایتالیایی یعنی «عشق به وطن» - م.

۵۵. Filangieri, Gaetano (۱۹۹۵). *La Scienza della Legislazione*. Edited by Renato Bruschi. vol. ۴, part ۲. Naples: Procaccini, p. ۴۲.

۵۶. artificial

منظور این است که «عشق به وطن» نه شوروشوق و احساسی طبیعی، بلکه شوروشوقی مصنوع است که باید به‌دست انسان‌ها ساخته و پروانده شود - م.

قبال کسان دیگری بسیار نیرومند عمل کند. بخردانگی قوانین و حکومت چنین شوروشوقی را بنا می‌نهد، به آن قوام می‌بخشد، آن را می‌گسترده و بال‌وپرش می‌دهد؛ {و در مقابل} رذیلت‌های آن‌ها این شوروشوق را ضعیف، مطرود و ممنوع می‌کند.^{۵۷}

جیان دومنیکو رومانوسی^{۵۸} حقوق‌دان سرشناس دیگری است که توانست بیان موجزی از کل این بحث ارائه کند که وطن‌پرستی حقیقی پیامد حکومت شایسته و مشارکت سیاسی است: «وطن‌پرستی حقیقی وابسته به شهر است. خاستگاه واقعی، قوام‌یافته، پویا و متداوم وطن‌پرستی حقیقی در شهر قرار دارد. و به جرأت می‌گویم نمی‌تواند جز در آنجا باشد. می‌خواهم اضافه کنم فقط شهر است که شالوده و اساس مطمئنی برای نظم سیاسی در یک وضعیت مدنی^{۵۹} فراهم می‌کند.»^{۶۰}

اما کارلو کاتانو^{۶۱} حتی موضع صریح‌تری دارد و کمون^{۶۲} را در مقام تجسم ملت در جامعه توصیف می‌کند. او می‌نویسد: «کمون‌ها همان ملت هستند؛ تجسم ملت در عمیق‌ترین سنگر آزادی خود».^{۶۳}

۵۷. Ibid, p. ۴۲

۵۸. Gian Domenico Romagnosi (۱۷۶۱ – ۱۸۳۵)

۵۹. civil state (*stato civile*)

۶۰. Romagnosi, Gian Domenico (۱۸۴۱-۸). 'Istituzioni di civile filosofia', in *Opere*. vol. ۳. Edited by Alessandro de Giorgi. Milan: Perelli e Mariani, poi Volpato, p. ۱۵۴۸.

۶۱. Carlo Cattaneo (۱۸۰۱ – ۱۸۶۹)

نویسنده، فیلسوف و فعال سیاسی ایتالیایی که شهرت عمده‌اش به دلیل نقش برجسته‌ای است که در شورش «پنج روز میلان» (۱۸۴۸) داشت. این شورش سرآغاز نخستین جنگ استقلال ایتالیا از اتریش شد - م.

۶۲. *comune* (*commune*)

۶۳. Cattaneo, Carlo (۱۹۷۲). 'Sulla legge comunale e provinciale', in *Opere Scelte*. vol. IV. Edited by Delia Castelnovo Frigessi. Turin: Einaudi, p. ۴۰۶.

وطن پرستی جمهوری خواهانه و ملی گرایی

تا بدین جا باید تشخیص تفاوت بین وطن پرستی جمهوری خواهانه و ملی گرایی نسبتاً سهل باشد. اگر منظور از ملی گرایی همان چیزی باشد که بنیان گذاران زبان ملی گرایی در نظر داشتند، به گمان من روشن است که وطن پرستان جمهوری خواه و ملی گرایان بر سر این مسأله‌ی محوری که پاتریای حقیقی چیست اختلاف نظر داشتند. درواقع نظریه پردازانِ اواخر قرن هجدهم ملی گرایی کوشش‌های خود برای ساختن زبان جدید ملی گرایی را دقیقاً با حمله به این اصل جمهوری خواهانه آغاز کردند که تنها جمهوری‌های خودفرمان^{۶۴} هستند که پاتریای حقیقی به شمار می‌روند.

در اوایل سال ۱۷۶۱ میلادی توماس آپت^{۶۵} رساله‌ی نافذی با عنوان *درباره‌ی مُردن برای سرزمین پدری*^{۶۶} منتشر کرد تا این ایده که عشق به سرزمین پدری تنها در جمهوری‌ها می‌تواند شکوفا شود را به چالش بکشد. اگر همه، از جمله پادشاه، تابع قوانینی باشند که حافظ خیر عمومی است در این صورت هر مُلک پادشاهی هم می‌تواند سرزمین پدری باشد. هیچ تفاوتی بین تبعه‌های پادشاهی‌ها و شهروندان آزادترین جمهوری‌های قابل تصور وجود ندارد: هردوی آنها به یک اندازه تابع قوانین اند؛ هیچ‌یک از آنها کاملاً آزاد نیستند اما همگان آزادی را مطابق با روح قانون اساسی کشور^{۶۷} تجربه می‌کنند.^{۶۸} در پادشاهی‌های شایسته، همگان فارغ از رتبه‌ی اجتماعی متفاوتشان «شهروند»^{۶۹} به شمار می‌روند و خیر آنها هم‌راستا با خیر سرزمین پدری

۶۴. self-governing

برخی مترجمین فارسی برای این اصطلاح از معادل «خودحکمران» استفاده کرده‌اند - م.

۶۵. Thomas Abbt (۱۷۲۸ - ۱۷۶۶)

فیلسوف، ریاضی‌دان و نویسنده‌ی آلمانی. او علیرغم عمر کوتاهش تأثیری شگرف بر فضای فکری دوران داشت - م.

۶۶. *Death for the Fatherland (Vom Tode für das Vaterland)*

این کتاب در فضای انگلیسی‌زبان با نام *On Dying for the Fatherland* نیز شناخته می‌شود - م.

۶۷. state

۶۸. Thomas Abbt (۱۷۶۱). *Vom Tode für das Vaterland*. Berlin, p. ۱۸.

۶۹. Bürger (citizen)

است.^{۷۰} آپت چنین نتیجه می‌گیرد که مُلک پادشاهی می‌تواند درعین‌حال در قامت سرزمین پدری — چنان‌که سزاوار عشق ماست — باشد؛ و اگر بتوانیم به آن عشق بورزیم، باید که به آن عشق بورزیم.^{۷۱}

یوهان گوتفرد هرِدِر^{۷۲} این استدلال را با شدت وحدت بیشتری تصریح کرد و بسط داد. او در یکی از آثار نخستینش با عنوان *آیا ما هنوز هم جامعه و سرزمین پدری روزگاران گذشته را داریم؟*^{۷۳} اظهار می‌کند که سرزمین پدری همچنان مظهر آزادی است اما نه آن آزادی که مد نظر پیشینیان بود. وطن‌پرستی مدرن نیازی به آن توانمندی‌های روحی ندارد که پیشینیان برای مقابله با دشمنان آزادی ضروری می‌شمردند. وطن‌پرستی مدرن احساس وظیفه و تعلق‌خاطر ساده‌تری به «آزادی بی‌تکلف‌تر»^{۷۴} است که امپراتور عادل بهتر از جمهوری می‌تواند تضمین‌کننده‌ی آن باشد: «در روزگار ما، تمامی کشورها»^{۷۵} به سازوکارِ توازنی دست یافته‌اند. هرکس که نمی‌تواند از خود محافظت کند به یک حامی و پدر نیاز دارد. مشخصه‌ی مردم ما دیگر جسارت بی‌پروایانه‌ی پیشینیان نیست. در عوض آنچه حکم فرماست، آزادی بی‌تکلف‌تر و بهتری است؛

۷۰. *Ibid.*, p. ۱۸

۷۱. *Ibid.*, p. ۱۸

۷۲. Johann Gottfried Herder (۱۷۴۴ – ۱۸۰۳)

فیلسوف، الهی‌دان و ادیب شهیر آلمانی و از اندیشمندان برجسته‌ی عصر روشنگری - م.

۷۳. *Haben wir noch jetzt das Publikum und Vaterland der Alten?* (۱۷۶۵)

هردر این رساله-خطابه‌ی کوتاه را به مناسبت افتتاح و آغاز به کار ساختمان دادگاه قضایی شهر ریگا نوشت و به فاصله‌ی کوتاهی توسط شورای شهر ریگا انتشار عمومی یافت. این خطابه طرحی از یک نظریه‌ی اجتماعی مدرن حول مفاهیم عرصه‌ی عمومی یا جامعه (public) و سرزمین پدری یا وطن (fatherland) پیش می‌گذارد و به عدم امکان قیاس دوران باستان و زندگی سیاسی مدرن در قلمرو نقش‌هایی مانند سیاستمدار، قانون‌گذار، قاضی، روحانی و شاعر می‌پردازد. این خطابه با طرح ضرورت ارائه‌ی بازتعریف جدیدی از رابطه‌ی حوزه‌ی عمومی و خصوصی، به اهمیت گردن نهادن همگان و حتی پادشاه به سرزمین پدری (وطن) برای ساختن جامعه‌ای متشکل از مردمان آزاد تأکید می‌کند - م.

برای تشریح بیشتر بنگرید به توضیحات تکمیلی در ترجمه‌ی انگلیسی این خطابه در منتخب آثار اولیه‌ی هردر در:

- Herder, Johann Gottfried (۱۹۹۱). *Selected Early Works, 1764-1767: Addresses, Essays, and Drafts; Fragments on Recent German Literature*. Edited by Ernest A. Menze and Karl Menges; Translated by Ernest A. Menze with Michael Palma. Pennsylvania: The Pennsylvania State University Press, p ۲۰۳.

۷۴. modest freedom

۷۵. states

آزادی عقیده و وجدان^{۷۶} برای اینکه افراد انسان‌هایی صادق و متدین باشند، آزادی لذت بردن افراد از منزلگاه و باغستانشان در صلح و آرامش و در پرتو قدرت حاکم^{۷۷}، و بهره‌مندی از ثمره‌های جهد و کوشش خود؛ آزادی اینکه افراد بانی سعادت و آسایش خود شوند، با آن که دمسازشان می‌پندارند طرح دوستی بریزند، و پدر و قیّم فرزندان خود باشند.^{۷۸} هر در به پتر کبیر^{۷۹} در قامت یک «وطن‌پرست حقیقی» اشاره می‌کند که «پدر سرزمین پدری پیشینش شد و سرزمین پدری نوینی را بنیان نهاد».^{۸۰} وطن‌پرستی الهام‌بخش او شد تا اتباع خود را برخلاف میلشان از زیر چنگال رعیت‌داری برهاند و به او عزم راسخ بخشید تا در برابر بخت نامساعد ایستادگی کند. سرزمین پدری می‌تواند بدون نیاز به شهروندان به پدر متکی باشد. بدین‌سان برای حفظ «آزادی بی‌تکلف» که مردان و زنانِ مدرن تمنای آن را دارند، وطن‌پرستی عظیمِ امپراتور در کنار وطن‌پرستی مشترک و عادیِ اتباع کفایت می‌کند.

اگرچه مردم در دوران هر در فاقد وطن‌پرستی شورمندانه‌ی پیشینیان بودند، اما او باور داشت که پادشاه وطن‌پرست می‌تواند همان درجه از ایثار را از مردم طلب کند که گفته می‌شد جمهوری‌ها قادرند در شهروندان خود برانگیزانند. به‌زعم هر در، برای کسانی که مزدورانی بی‌احساس نیستند، واژگان «سرزمین پدری»^{۸۱}، «پادشاه»^{۸۲} و «ملکه»^{۸۳} جلوه‌گر «بانگ ظفّری است

۷۶. conscience

۷۷. throne

منظور اورنگ و تاج و تخت پادشاهی - م.

۷۸. Herder, Johann Gottfried (۱۹۹۱). *Selected Early Works, 1764-1767: Addresses, Essays, and Drafts; Fragments on Recent German Literature*. Edited by Ernest A. Menze and Karl Menges; Translated by Ernest A. Menze with Michael Palma. Pennsylvania: The Pennsylvania State University Press, p ۶۱.

طبق توضیح مترجمان انگلیسی در مقدمه‌ی مجلد فوق (ص ۲۵)، تأکدهای این نقل قول از خود هر در است - م.

۷۹. Tsar Peter the Great (۱۷۲۵ - ۱۷۲۲)

تزار پتر کبیر آخرین تزار و رهبر روسیه‌ی تزاری بود و با فتوحات نظامی بسیارش امپراتوری روسیه را بنیان نهاد و خودش نخستین امپراتور آن شد. از او به دلیل رهبری و پیشبرد دگرگونی‌های وسیع سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی با نام معمار و مؤسس روسیه‌ی مدرن یاد می‌شود - م.

۸۰. *Ibid.*, p. ۶۲.

۸۱. fatherland

۸۲. monarch

۸۳. empress

که خون تازه در رگ‌هایشان می‌دمد، قلبشان را شعله‌ور می‌کند، به بازوانشان صلابت می‌بخشد و از سینه‌هایشان با زره آهنین حفاظت می‌کند.^{۸۴} فارغ از اینکه سرزمین پدری جایی باشد که در آن «قانون و صدها تن فرمانروایی می‌کنند»^{۸۵} یا «قانون و تنها یک تن فرمانروایی می‌کنند»، تا زمانی که آن فرمانروا در قامت پدر یا مادرِ مردمانی سعادت‌مند ظاهر می‌شود، مُردن برای سرزمین پدری شیرین و افتخارآمیز است.^{۸۶}

وطن‌پرستانِ جمهوری‌خواه و ملی‌گرایانِ همچنین در این زمینه اختلاف‌نظر داشتند که عشق حقیقی به میهن چیست یا چه باید باشد. اولی عشق به میهن را شوروشوقی برساختی در نظر می‌گرفت که باید با تمهیدات سیاسی به تدریج القا و بی‌وقفه بازتولید شود؛ دومی آن را احساسی طبیعی می‌پنداشت که باید از آلودگی فرهنگی^{۸۷} و همسان‌سازی فرهنگی^{۸۸} مصون بماند. تلقی‌های متفاوت آن‌ها از عشق به میهن، از فهم متفاوت آن‌ها از به‌ترتیب پاتریا و ملت^{۸۹} نشئت می‌گرفت: سرزمین پدریِ جمهوری‌خواهان سامانی اخلاقی و سیاسی بود، درحالی‌که ملتِ مد نظر هر در حدوثی طبیعی^{۹۰} است. او ملیت‌ها^{۹۱} را نه فراورده‌ی آدمیان، بلکه ثمره‌ی نیرویی زنده و ارگانیک^{۹۲} می‌دانست که به گیتی جان می‌بخشد. جمهوری‌ها از توانمندیِ والا^{۹۳} و خردمندی

۸۴. *Ibid.*, p. ۶۰.

۸۵. اشاره‌ی هر در به هیئت حکمرانی در جمهوری‌های آن دوران است که از افراد متعدد و جمعی از نخبگان و سرامدان تشکیل می‌شد - م.

۸۶. هر در در اینجا به شعری از هوراس شاعر پرآوازه‌ی روم باستان اشاره دارد: «شیرین و افتخارآمیز است مُردن برای وطن» (قصیده‌ها، کتاب سوم، شعر دوم، بند ۱۳) - م.

بنگرید به توضیحات تکمیلی ترجمه‌ی انگلیسی این خطابه در منتخب آثار اولیه‌ی هر در در:

- Herder, Johann Gottfried (۱۹۹۱). *Selected Early Works, 1764-1767: Addresses, Essays, and Drafts; Fragments on Recent German Literature*. Edited by Ernest A. Menze and Karl Menges; Translated by Ernest A. Menze with Michael Palma. Pennsylvania: The Pennsylvania State University Press, p ۲۵۷.

۸۷. cultural contamination

۸۸. cultural assimilation

۸۹. nation

۹۰. natural creation

۹۱. nationalities

۹۲. organic

۹۳. virtue

در اینجا virtue به معنی فضیلت اخلاقی نیست و دلالتی ماکیاولیایی دارد (*virtù*) و از این رو به «توانمندیِ والا» برگردانده شده است - م.

بارز بنیان‌گذاران نامدارشان سربرمی‌آورند؛ ملت‌ها از خودِ خداوند هستی می‌یابند، درست همان‌طور که آن نیروی زنده‌ای که واحدهای ارگانیک ملی را از بی‌نظمی مصالح همگون سروشکل می‌دهد، انعکاس اراده و مقدرات ابدی خداوند است.

هنگامی که هر در تأکید دارد که نه کشورها بلکه ملیت‌ها را طبیعت آفریده است، منظور او این است که ملیت مقام و مرتبه‌ی بالاتری از کشور دارد. برای جمهوری‌خواهان از دست دادنِ جمهوری بزرگ‌ترین فاجعه بود. برای هر در اما از دست دادن ملت فاجعه‌بارتر می‌نمود. چنان‌که او نوشته است، از آدم‌ها میهنشان (به لحاظ ملیت) را بگیرید «و بدین ترتیب شما همه چیزشان را از آن‌ها گرفته‌اید».^{۹۴}

تمام این‌ها بدین معنا نیست که انگاره‌ی ملت همواره علیه وطن‌پرستی جمهوری‌خواهانه و یا به منظورِ تداوم بخشی به برنامه‌های ملی‌گرایانه به کار رفته است. بارزترین مثال، تعریف جان استورات میل از اصل ملیت در کتاب *نظام منطق*^{۹۵} است: «نیازی به گفتن نیست که منظور ما از اصل ملیت، انزجاری غیرمنطقی نسبت به خارجی‌ها یا تکریم برخی رسوم و ویژگی‌های واهی به دلیل ملی بودنشان نیست؛ و یا اینکه از پذیرش آنچه در کشورهای دیگر سودمند بوده است خودداری کنیم. از هر لحاظ که بنگریم، ملت‌هایی که دارای نیرومندترین روحیه‌ی ملی بوده‌اند از قضا کمترین ملیت را داشته‌اند. منظور ما از ملیت، اصل همدلی است نه خصومت؛ منظورمان اصل همبستگی است نه گسستگی. مقصودمان نوعی از احساس نفع مشترک در میان کسانی است که تحت حکومتی یکسان زندگی می‌کنند و در درون مرزهای طبیعی یا تاریخی یکسانی قرار گرفته‌اند. منظور ما این است که بخشی از اجتماع خودش را در نسبت با بخشی دیگر

۹۴. Herder, Johann Gottfried (۱۷۸۵ [۱۷۸۰]). *Sämmtliche Werke*. ed. B. Supham Berlin: Weidmann, vol ۱۳, pp ۲۶۱-۲.

۹۵. *A System of Logic* (۱۸۴۳).

این کتاب دو جلدی با نام یک سیستم منطقی، نسبتی و استقرایی نیز شناخته می‌شود. جلد اول آن با مشخصات زیر اخیراً در ایران ترجمه و منتشر شده است:

- جان استورات میل (۱۴۰۳). *نظام منطق*. جلد اول. ترجمه‌ی محمدرضا اسمخانی. تهران: انتشارات موسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

همچون بیگانگان نمی‌پندارد؛ که آن‌ها پیوندی که آنان را در کنار هم نگه می‌دارد گرامی می‌دارند؛ احساس می‌کنند که مردمی واحد هستند و سرنوشتشان در هم تنیده شده است و هر آسیبی که متوجه هریک از هم‌میهنانشان شود متوجه خود آن‌ها نیز می‌شود و اینکه نمی‌خواهند با خودخواهی و گسستن پیوستگی‌ها، خود را از بند هرگونه مصائب مشترک رها کنند.^{۹۶}

این فهم از ملت متناظر با درکی است که جوزپه ماتزینی^{۹۷} از پاتریا دارد: «وطن (پاتریا) شکلی از هم‌بودگی^{۹۸} انسان‌های آزاد و برابر است که در توافقی برادرانه برای تلاش در راستای هدفی واحد به هم گره خورده‌اند. ... وطن صرفاً نوعی از گردهم‌آمدگی نیست بلکه نوعی هم‌پیوندی^{۹۹} است. وطن حقیقی بدون داشتن حقوق یکسان نمی‌تواند وجود داشته باشد. وطن حقیقی نمی‌تواند جایی باشد که یکسانی آن حقوق به‌وسیله‌ی تمایز طبقاتی، امتیازات و نابرابری‌ها زیر پا گذاشته می‌شود.»^{۱۰۰}

نمونه‌ی دیگری از اصل ملیت که با مفهوم جمهوری‌خواهانه‌ی کلاسیک پاتریا تلقی متناظری دارد را می‌توان در آثار کارلو پیزاکانه^{۱۰۱} یافت. او در سال ۱۸۶۰ می‌نویسد اصل ملیت که در سال ۱۸۴۸ جان‌های بخشاینده را تهییج کرد^{۱۰۲}، نشانگر کمال مطلوبی از آزادی بود. ملیت به معنی تجلی خودخواسته‌ی اراده‌ی مردم، منافع مشترک و آزادی کامل و مطلق است که در آن

۹۶. Mill, John Stuart (۱۸۴۶). *A System of Logic*. vol VI. New York: Harper, Book VI, chapter X, section ۵.

۹۷. Giuseppe Mazzini (۱۸۰۵ – ۱۸۷۲)

جوزپه ماتزینی (یا ماتسینی) فعال سیاسی، انقلابی، نظریه‌پرداز و جمهوری‌خواه رادیکال ایتالیایی بود و در رهبری جنبش «وحدت ایتالیا» در اواسط قرن نوزدهم میلادی نقش برجسته‌ای داشت - م.

۹۸. *comunione* (community or fellowship)

۹۹. *associazione* (association)

۱۰۰. Mazzini, Giuseppe (۱۹۷۲) 'Dei doveri dell'uomo', in *Scritti politici*, ed. Terenzio Grandi e Augusto Comba, Turin: UTET, p ۸۸۴.

جمله‌ی پایانی این نقل‌قول در متن جستار ویرولی ایراد تاییدی جزئی دارد و در تطبیق مترجم با ترجمه‌های دیگری از این اثر (و همچنین متن اصلی ایتالیایی) اصلاح شد - م.

۱۰۱. Carlo Pisacane (۱۸۱۸ – ۱۸۵۷)

نظریه‌پرداز سوسیالیست و از پیشگامان جنبش انقلابی وطن‌پرستانه‌ی ایتالیا در سده‌ی نوزدهم میلادی - م.
۱۰۲. اشاره به شورش «پنج روز میلان» (۱۸۴۸) که سرآغاز نخستین جنگ استقلال ایتالیا از اتریش شد - م.

جایی برای طبقات، گروه‌ها یا خاندان‌های دارای امتیاز نیست. عشق به میهن تنها می‌تواند در خاک آزادی شکوفا شود و این آزادی است که شهروندان را به حامیان و مدافعان جمهوری بدل می‌کند. زیر یوغ تک‌سالاران^{۱۰۳} و پادشاهان، شورِ بخشاینده‌ی وطن‌پرستی^{۱۰۴} ناگزیر از انحطاط است.^{۱۰۵}

تلقی پیزاکانه از اصل ملیت، همچون ماتزینی، آن را در نقطه‌ی مقابل ملی‌گرایی قرار می‌داد. به‌زعم ماتزینی در اروپای تحت‌سلطه‌ی پادشاهی‌ها، «اصل ملیت» به تباهی «ملی‌گرایی»^{۱۰۵} کوتاه‌نظرانه «فروغلتیده بود و سیاستی که با منفعت‌طلبی و زورگویی محض پیش می‌رفت جای سیاستی را گرفت که بر پایه‌ی بالندگی آزاد و خودانگیخته‌ی ملت‌ها بنا شده بود».^{۱۰۶}

تفاوت بین وطن‌پرستی جمهوری‌خواهانه و ملی‌گرایی کماکان به‌شکل آشکاری پابرجاست. تفاوت بین وطن‌پرستی جمهوری‌خواهانه و ملی‌گرایی مدنی از یک سو، و تفاوت بین وطن‌پرستی جمهوری‌خواهانه و ملی‌گرایی قومی^{۱۰۷} از سوی دیگر نیز به‌همان اندازه آشکار است. مشخصه‌ی وطن‌پرستی جمهوری‌خواهانه شوروشوق است درحالی‌که ملی‌گرایی مدنی از توافق عقلانی حاصل می‌شود. وطن‌پرستی جمهوری‌خواهانه ناظر بر پایبندی به اصول سیاسی جهان‌شمولی نیست که به‌لحاظ تاریخی و فرهنگی خشی هستند، بلکه پژواک تعلق‌خاطر به قوانین، قانون اساسی و شیوه‌ی زیستن در یک جمهوری خاص است. وطن‌پرستی

۱۰۳. princes

در اینجا prince به معنی شهریار، حاکم و فرمانروایی است که به‌تنهایی کل ارکان حکومت (پادشاهی یا غیرپادشاهی) را در دست دارد که می‌تواند شامل یک حکومت محلی کوچک تا حکومت بر یک کشور بزرگ باشد. استفاده از معادل «تک‌سالار» صرفاً برای انتقال معنای دقیق این اصطلاح در این بستر است - م.

۱۰۴. Pisacane, Carlo (۱۹۶۹ [n.d.]) 'La rivoluzione', in Franco della Peruta (ed.), *Scrittori politici dell'Ottocento*. vol. ۱. Milan and Naples, pp ۱۱۸۱ & ۱۱۸۴.

۱۰۵. تأکید از مترجم انگلیسی نامه‌ی ماتزینی است - م.

۱۰۶. Mazzini, Giuseppe (۱۹۷۹). *Mazzini's Letters*. Edited by Bolton King. Westport, Conn: Hyperion Press, pp ۱۶۸-۱۶۹.

ماتزینی این بحث را در نامه‌ای به کارل شورتس سیاستمدار و انقلابی آلمانی به تاریخ فوریه‌ی ۱۸۶۱ مطرح کرده است - م.

۱۰۷. ethnic nationalism

جمهوری خواهانه از ملی گرایی قومی نیز متمایز است زیرا برای قومیت^{۱۰۸} اهمیت اخلاقی یا سیاسی قائل نیست؛ در عوض، به حُسن و اهمیت اخلاقی و سیاسی ارزش های سیاسی شهروندی به ویژه برابری جمهوری خواهانه بها می دهد که همگی خصم قوم محوری^{۱۰۹} به شمار می روند.

من تلقی جمهوری خواهانه از وطن پرستی را متقاعدکننده تر از دیدگاه معاصری می دانم که به تازگی آنتونی اسمیت^{۱۱۰} بیان کرده است و طبق آن برای متحد کردن مردمانِ ناهمگون به «بنیه ی قدتمندتری» از ارزش های فرهنگی و سیاسی جمهوری نیاز داریم. نمی دانم هنگامی که اسمیت از «کنار هم نگاه داشتن» سخن می گوید چه منظوری دارد، اما اگر منظورش، چنان که مد نظر من است، متحد کردن افراد در مقام شهروندانی آزاد و برابر باشد، ما به چیزی فراتر از سیاستی ملهم از آرمان های آزادی جمهوری خواهانه و برابری جمهوری خواهانه و فرهنگی مبتنی بر آن آرمان ها نیاز نداریم. شهروندی برآمده از پیوندهای ملت بودگی نیست. مردمانی که به لحاظ فرهنگی، دینی و قومی همگون اند مردمانی نیستند که بیشتر مدنی منش^{۱۱۱} باشند. برعکس، آن ها مستعدند که نابردبار، متعصب و ملال آور باشند. سیاست دموکراتیک حقیقی می تواند تمام امور شهروندی را به تنهایی پیش ببرد. چنین سیاستی نیازی به یاری گران ننگ آور ندارد.

اینکه آیا این یک پروژه ی سیاسی مطلوب و ممکن است بحث دیگری را ایجاب می کند. من پیش از این و در جای دیگر نشان داده ام که چنین است. در این متن هدفم صرفاً این بود خاطرنشان کنم که ما ابداً مقید به انتخاب بین اسطوره ی ملی گرایی مدنی و دهشت ملی گرایی قومی نیستیم.

۱۰۸. ethnicity

۱۰۹. ethnocentrism

۱۱۰. Anthony Smith

۱۱۱. civic minded

